

عنوان مقاله:

تأثیر فلسفه بر عرفان اسلامی ایران

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره 6، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

محمدصادق ارزیده - کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، حوزه علمیه قم

خلاصه مقاله:

با وجود اینکه میان فلاسفه و عرفا در مبانی غایات و روش تفاوت هایی وجود دارد ولیکن فلسفه اسلامی بر عرفان اسلامی بسیار موثر بوده است. این تأثیر پذیری در ۳ حوزه هستی شناسی روش اثبات و انتقال یافته های عرفانی و رابطه انسان با خدا می باشد. ۱- در حوزه هستی شناسی: موضوع اصلی و هدف عرفان اسلامی شناخت ذات خدا از حیث اسما و صفات او جهت وصول به حق (خدا) است و با وجود آنکه قائل به وحدت شخصی وجود بوده و عالم خلق را مظاهر حق می داند و برای آنها وجودی مستقل قائل نیست، ولیکن از هستی شناسی غافل نبوده و یک نظام هستی شناسانه فیلسوفانه با استفاده از تعبیر فلسفی ارائه می نماید. ۲- در حوزه اثبات و انتقال یافته های عرفانی: از آنجایی که درک عرفا شهودی، شخصی و غیرقابل اثبات و انتقال بود، معمولا محکوم می شدند. ولی تلاش ابن عربی و عرفای پس از وی در استفاده از استدلال های برهانی و بیانی عقلی به عرفان اسلامی مدد رساند تا یافته های درونی و معنوی خود را از حالت شخصی خارج ساخته و با طریقی مطمئن به دیگران انتقال دهد و در نتیجه عرفان به صورت یک علم مطرح شود. عارف از طریق توصیف عقلانی واقعیت های شهود شده، و استفاده از زبان و اصطلاحات فلسفی با مفادی کاملا عرفانی، و اقامه برهان عقلی بر یافته های عرفانی در این جهت از فلسفه مدد جسته است. ۳- در حوزه رابطه انسان با خدا رابطه عاشقانه ای بین مخلوق و خالق وجود دارد که ایجاد حرکت شوقی به جاذبه زیبایی کمال مطلق (خدا) در مراتب مادون می کند. تبیین نظری این حرمت کمالیه و مراحل آن متاثر از آراء فلسفی ارسطو فلوطین و سهروردی می باشد.

کلمات کلیدی:

فلسفه، عرفان اسلامی، تأثیرپذیری هستی شناسی روش شناسی کشف و شهود

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1502792>

